

دو صد گفته چون نیم کردار نیست



تصاویر: آرشیو

گفت و گو با کتابون (زهرا) آزادی، دبیر پیام‌های آسمانی ناحیه ۴ شیراز

مریم جزایری

دبیر دبیرستان ناحیه ۱ شهر ری

■ چرا در آموزش و پرورش؟ تربیت برایتان مهم بود؟! آیا از ابتدا تدریس دینی را انتخاب کردید؟

■ بله و این انتخاب را بسیار شایسته و از افتخارات خود می‌دانم و عمیقاً به اینکه معلمی شغل انبیاست اعتقاد دارم. البته مشروط به اینکه به درستی انجام شود و نتایج درخشان داشته باشد. انگیزه من شاید به دوران نوجوانی ام برمی‌گردد. زمانی که یک روحانی در کلاس‌های تابستانی آیه شریفه: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي...» را تلاوت کرد؛ من آرزو می‌کردم زمانی برسد که من هم بتوانم مانند او آیات را حفظ باشم و بخوانم و مدرس قرآن باشم.



■ از خودتان و فعالیت‌هایتان بگویید.

■ کتابون (زهرا) آزادی، ۴۷ ساله، دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه هستم و در حال حاضر در مدرسه راهنمایی ناحیه ۴ شیراز به خدمت مشغولم. در ماه رمضان سال ۶۶ به عنوان مبلغ در شهرستان مهاباد فعالیت داشتم و در سال ۶۷ مسئولیت واحد خواهران سازمان تبلیغات اسلامی منطقه ۲ کشور را به عهده گرفتم و به لطف خدا از سال ۷۰ در زمینه‌های گوناگونی چون اعزام مبلغ به دانشگاه‌ها و خارج از کشور و گروه‌های مختلف فرهنگی و سریال‌های صداوسیما فعالیت داشتم و پس از پنج سال تدریس، به‌طور رسمی به خدمت آموزش و پرورش درآمدم. در سال ۷۴ ازدواج کردم و در شیراز ساکن شدم. هم‌زمان با خدمت در آموزش و پرورش، به دانشگاه‌های صنعتی اصفهان و سهندج به عنوان مبلغ اعزام شدم. مدتی نیز در دانشگاه علوم پزشکی شیراز مدرس امور فرهنگی در خوابگاه بودم.

■ مشوق دیگری هم داشتید؟ چه کسی و چگونه؟

■ بله، دو نفر در انتخاب شغل و تدریس دینی در من مؤثر بودند: یکی مسئول وقت بسیج خواهران در قم که نامشان خاطرم نیست اما همیشه دعاگوی ایشان هستم. وی از جهات معنوی خیلی تأثیرگذار بود و تدریسش به قدری جذابیت داشت که ما حتی روزهای جمعه و زیر بارش برف و با وجود سرما با اشتیاق در کلاس ایشان حاضر می‌شدیم. دیگری هم یک خانم شیعه عرب زبان، که اتفاقاً عربی

هم تدریس می‌کرد و همسرش جزو شهدای مفقودالثر دوران دفاع مقدس بود. ایشان بین دو نوبت صبح و ظهر مدرسه، که باید با فاصله در مدرسه حاضر می‌شدیم. ما را تشویق می‌کرد که در مدرسه بمانیم و وقت کمتری برای نهار صرف کنیم تا به نماز جماعت برسیم. صبح‌های جمعه زمستان کنار یک بخاری علاءالدین برای ما کتاب می‌خواند و با رفتار بسیار مناسبی که داشت الگوی ما بود. در سال اول راهنمایی ایشان دبیر دینی ما بود. ایشان ضمن رعایت کامل پوشش، لباس‌های شاد و متنوع می‌پوشید؛ به‌طوری که بر دانش‌آموزان بسیار تأثیر مثبت می‌گذاشت و ما آرزو می‌کردیم روزی معلمی با ویژگی‌های ظاهری و باطنی ایشان، شویم. در واقع این‌ها لطف خدا بود که سر راه من قرار داده شد و با وجود اعتراضاتی که گاه از طرف خانواده به دلیل مشغله زیاد یا دیر به منزل آمدن به من می‌شد، توانستم از این الگوها استفاده کنم.

■ از تجارب تان با دختران نوجوان دوره راهنمایی بگویید. با چه شیوه‌ای با آن‌ها روبه‌رو شویم؟

■ با توجه به حساسیت دوران نوجوانی باید نوع رابطه ما با آنان به گونه‌ای تنظیم شود که برایشان جذاب باشد و ارتباطی شادی‌آفرین محسوب شود. چون مخاطبان ما در این سن، خودشان شادند و به مسائل عاطفی علاقه نشان می‌دهند. معلم حتی با نحوه رفتار خود به هنگام ورود به کلاس، نحوه سلام کردن، نوع نگاه به بچه‌ها و... می‌تواند ایجاد محبت و جلب‌نظر کند و حتی در حیات مدرسه با دانش‌آموزانی که شاگرد کلاس او نیستند، رابطه برقرار سازد و آنان را با رفتار مناسب به سوی خود جذب کند.

■ این رابطه را در فضای کلاس چگونه از طریق درس دینی ایجاد می‌کنید؟

■ با نوشتن «بسم‌الله الرحمن الرحیم» بر روی تخته این رابطه آغاز می‌شود. با اینکه من خط خوبی ندارم، اما حتماً این رفتار ورودی را رعایت می‌کنم؛ به‌طوری که اگر غفلت شود خودشان تذکر می‌دهند. گاهی با نوشتن یک پیام اخلاقی، یا حدیث یا یک پرسش از بچه‌ها یا خواندن یک شعر، چه در ایام عزاداری و چه در جشن‌ها و اعیاد، این ارتباط را برقرار می‌کنم و این خیلی مهم است؛ چون بچه‌ها دوست دارند معلم‌شان به‌روز باشد و این شامل پوشش و تنوع رنگ در مورد دبیران دینی هم می‌شود. به قول حجت‌الاسلام قرائتی، مگر بچه‌ها چه گناهی کرده‌اند که چندین ساعت را با لباس تیره تحمل کنند؟



بچه‌ها دوست دارند معلم‌شان به‌روز باشد و این شامل پوشش و تنوع رنگ در مورد دبیران دینی هم می‌شود. به قول حجت‌الاسلام قرائتی، مگر بچه‌ها چه گناهی کرده‌اند که چندین ساعت ما را با لباس تیره تحمل کنند؟

■ از تجربه‌ها تان بگویید. از بهترین‌هایش!

■ اتفاقاً سال گذشته، که می‌خواستیم درس اول پیام‌های آسمان پایه اول را تدریس کنم و با توجه به محتوای درس، که درباره حضور خداوند و ناظر بودن او بر عالم است، تصمیم گرفتم از بچه‌ها امتحان بگیرم. بچه‌ها تعجب کردند که روز اول بدون درس خواندن چگونه می‌توان امتحان داد! گفتم آنچه از هدیه‌های آسمان - سال گذشته - یاد گرفتید کافی است و بعد از دانش‌آموزانی که زنگ‌تر به‌نظر می‌آمدند، خواستیم با کمک حافظه‌شان سؤالاتی را طراحی کنند. از میان آن سؤالات سه سؤال را انتخاب کردم و در نصف برگه A4 نوشتیم و برگه را به شکل یک پاکت درآوردیم. البته به کمک معاون و مدیر مدرسه - که جا دارد به‌خاطر همکاری‌های همیشگی‌شان همین‌جا از آنان تشکر کنم - پاکت‌ها را طوری منگنه کردیم که بدون باز کردن آن‌ها دسترسی به سؤال و پاسخ دادن به آن امکان‌پذیر نبود. حتی برای مدیر و معاون هم این سؤال پیش آمد که این چه جور امتحانی است! و من گفتم شیوه تدریس درس اول من همین است. بعد از بچه‌ها خواستیم هر کدام به تنهایی و البته هر جایی که خواستند و دوست داشتند به سؤال‌ها جواب بدهند. شرط پاسخ دادن به سؤالات این بود که به جایی بروند و پاکت را باز کنند که کسی آن‌ها را نبیند. حدود بیست دقیقه وقت دادم. در این مدت عده‌ای مطلب را فهمیدند و از کلاس ۳۵ نفری حدود ۲۰ نفر، بدون توجه به اصل مطلب، پاکت را در محل‌های دل‌خواه خودشان مثل حیاط خلوت مدرسه، زیر پله‌ها و... باز کردند و جواب دادند! اما ۱۵ نفر بقیه گفتند چون خدا همه‌جا هست جایی پیدا نکرده‌اند که بتوانند پاکت سؤال را باز کنند. این تجربه بسیار جالب و آموزنده بود، و می‌توان از این طریق مفهوم واقعی «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» را به بچه‌ها تفهیم کرد و اینکه در هر لحظه مورد مشاهده خدا هستیم و نباید از آن غفلت کنیم. با این مقدمه درس را شروع کردم و بچه‌ها این درس را به صورت عینی و ملموس به خوبی درک کردند. این روش را، حتی در سطح بالاتر مثل دانشگاه، در حلقه‌های دانشجویی به کار بردم و تجربه کردم که خیلی مورد توجه قرار گرفت.

■ از بهترین خاطرات خود نیز بگویید.

■ از طرف استانداری طرحی به نام حجاب و عفاف در سطح ادارات شیراز به شکل کارگاهی اجرا شد که بنده هم همکاری می‌کردم. پس از پایان کارگاه خانمی از مسئولان همان اداره مرا صدا زد و گفت که شاگرد سابق من بوده است. یا خانمی، که در انجمن معارف از اعضای اصلی انجمن بود، در جلسه رسمی اعلام کرد که شاگرد من بوده و در عملکرد خودش همان نکاتی را به کار بسته که در کلاس درس از من شنیده است. برای من جای مباهات بود که ثمره آن نصایح، که همه از لطف خدا بود، عملکرد فعلی این بزرگواران است. مسلماً برای همه معلمان مشاهده افرادی که در سمت‌های

جایشان در کتاب خالی بود، زمینه بروز استعداد بچه‌ها را فراهم کرده است.

■ نظرتان درباره مجله رشد آموزش معارف اسلامی چیست؟ چقدر با آن آشنا هستید؟

■ تقریباً از ابتدای شروع به کار مجله، آن را دنبال کرده‌ام و مجموعه نسبتاً کاملی از آن را در اختیار دارم. البته به دلیل فعالیت‌های فرهنگی متعددی که داشته‌ام، مجبورم گاهی آن را با سایر مجلات مقایسه کنم و به نظر می‌رسد که در بعضی زمینه‌ها نسبت به آن‌ها جذابیت کمتری دارد؛ حتی از نظر شکل ظاهری. البته در بسیاری از موارد محتوای مجله بسیار عالی است، اما فکر می‌کنم استفاده از کاغذ گاهی، سیاه و سفید بودن مجله و استفاده کمتر مجله از تصاویر همکاران تاحدودی آن را از جایگاه واقعی‌اش دور کرده است.

■ چه پیشنهادی برای بهبود کار مجله دارید؟

■ مجله متعلق به دبیران دینی و معارف اسلامی در حوزه تدریس دروس دینی، فلسفه و عربی است. پس بهتر است خودشان را در آن ببینند و حضور خود را احساس کنند؛ هر چند به صورت درج خاطرات و تجربه‌های آن‌ها باشد. می‌توان دبیرانی که در تدریس دینی نمونه شده‌اند یا با مجله همکاری داشته‌اند یا به هر دلیلی با آن مرتبط بوده و موفقیتی کسب کرده‌اند، از طریق گزارش کوتاه یا گفت‌وگوی یک صفحه‌ای در مجله، به دیگران معرفی کرد. این مسئله برای دبیران بسیار جذاب و شیرین است؛ به‌خصوص وقتی در نظر بگیریم مجله‌ای که عکس ما در آن چاپ شده است، بعدها ارزش معنوی و فرهنگی بیشتری پیدا می‌کند و شاید تا چند نسل به صورت یک منبع و مأخذ مورد استناد قرار می‌گیرد.

پیشنهاد دوم آن است که در پایان هر سال از محتوای چهار شماره مجله معارف، آزمون علمی به عمل آید و برای همکاران برتر، جوایزی از جمله اشتراک رایگان این مجله در نظر گرفته شود.

پیشنهاد دیگر اینکه گاهی مقالات به طرح شیوه‌هایی پرداخته‌اند که نمی‌توان به صورت کامل در متن با آن‌ها آشنا شد و بهتر است برای آن‌ها سی‌دی آموزشی مناسب تهیه و به مجله ضمیمه شود و آسان‌تر از شرایط کنونی - که به سختی به دست همکار می‌رسد - حتی به نشانی منزل همکاران فرستاد.

■ برای تدریس بهتر همکاران، چه نیازهایی را در اولویت می‌بینید؟

■ دبیران در دو بخش نیازمند یاری هستند: ۱. محتوا، ۲. روش تدریس. همه همکاران معمولاً در پاسخ‌گویی به سؤالات دانش‌آموزان با کمبود وقت روبه‌رو هستند. بنابراین چه خوب است که ماهی یک‌بار حداقل کلاس‌های دینی به



در پایان هر سال از محتوای چهار شماره مجله معارف، آزمون علمی به عمل آید و برای همکاران برتر، جوایزی از جمله اشتراک رایگان این مجله در نظر گرفته شود

مختلف فعالیت مؤثری دارند و قبلاً شاگردشان بوده‌اند بسیار جالب است. من حتی دانش‌آموزی داشتم که مکرر تخلف می‌کرد و دایم دبیران او را به دفتر می‌فرستادند. او یک‌بار سر کلاس نوشابه خورد و من با کظم غیظ به جای برخورد تند با او، از کلاس خارج شدم و بعد که کمی آرام شدم، به کلاس برگشتم. در این فاصله کوتاه خروج من از کلاس، خود دانش‌آموزان به او اعتراض کرده بودند، اما همین که من او را به دفتر نفرستادم باعث شد درس بزرگی بگیرد. سال‌ها بعد او را در باجه تلفن دیدم و او هنوز از رفتارش خجل بود، اما به دلیل امنیت و اعتمادی که از جانب من نسبت به خودش احساس می‌کرد، با هم دیداری صمیمی داشتیم و در او تأثیر مثبت گذاشته بود.

■ کمی هم از کتاب پیام‌های آسمان بگویید و اینکه تغییر کتاب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ به جرئت می‌گویم یکی از آرزوهای معلمان دینی دوره راهنمایی همین تغییر بود! حتی در همایش‌ها انتظار دبیران برای تغییر مطرح می‌شد. شخصاً از اینکه در این برهه قرار دارم خدا را سپاس می‌گویم. حتی به کسانی که قصد بازنشستگی داشتند توصیه کردم قبل از آن حداقل یک سال آن را تدریس کنند. همکاران بازنشسته‌ای نیز هستند که در مدارس غیرانتفاعی خدمت می‌کنند و مشتاق تدریس این کتاب و گذراندن دوره آموزشی روش تدریس آن هستند. البته این به معنی این نیست که کتاب هیچ اشکالی ندارد. اما جنبه‌های مثبت کتاب، مثل جذابیت محتوا، کاربردی بودن مطالب و روانی متن بسیار بهتر از قبل است و اشکالات آن هم، طی اجرای آزمایشی و بعد از یکی دو سال، ان‌شاءالله برطرف خواهد شد. در حال حاضر، این کتاب برای بچه‌ها درس زندگی محسوب می‌شود؛ مشروط به اینکه آن را با شیوه‌های مفید و همراه با ابتکار تدریس کنند. دختر خودم، که امسال دوم راهنمایی است و گاهی با دوستانش به کلاس من می‌آمد، گله داشت که محتوای به این زیبایی چرا توسط دبیر خودشان این‌گونه تدریس نمی‌شود. در واقع بچه‌ها به درس علاقه نشان می‌دهند؛ اگر دبیر هم‌هنر خود را به کار بگیرد و برای تدریس آن از روش‌های جذاب استفاده کند. چون هدف آموزشی کتاب با حفظ کردن تأمین نمی‌شود و طراحی دروس بر مبنای درک عینی و ملموس بچه‌ها تنظیم شده و قرار دادن بخش‌هایی مثل «الهی» و دعاها، که قبلاً



صورت همایش و در سالن اجتماعات برگزار شود. دبیران دینی در آنجا صرفاً برای پاسخ‌گویی به سؤالات دانش‌آموزان حضور یابند. این روش را خود من بارها اجرا کرده‌ام و تجربه خوبی از آن دارم؛ به‌طوری که اولیای دانش‌آموزان تماس می‌گرفتند و اظهار رضایت و تشکر می‌کردند. چون بچه‌ها پاسخ سؤالاتشان را بلافاصله در منزل مطرح می‌کردند و در خلال آن اولیا در جریان فعالیت فرهنگی مدرسه و میزان تأثیر آن در فرزندشان قرار می‌گرفتند.

■ چه توصیه‌ای به همکاران و دبیران دینی دارید؟

■ تا می‌توانند مطالعه کنند و بدانند که هر چیزی تدریس می‌کنند، باید اول برای خودشان جافته‌اند و مستدل باشد. شیوه‌های مختلف مطالعه را بیازمایند. لازم نیست صدها کتاب را بخوانند یا فکر کنند جواب همه سؤالات را باید بلد باشند بلکه بخش‌های مورد نیاز مخاطبان خود را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند و در این خصوص احساس وظیفه کنند. بیشتر پیگیر مسائل روز باشند. الآن مسئولیت خطیر معلمی ایجاب می‌کند که دبیر دینی وارد فعالیت‌های دینی شود و حضور مؤثر داشته باشد. باید به شکرانه نعمت هدایت الهی خود را در مسیر تدریس دینی تجهیز کند؛ به‌طوری که هر جا وارد شد بتواند عامل تحول باشد و با رفتارش محبوبیت و جاذبه ایجاد کند نه دافعه، و بداند که آهسته آمدن و آهسته رفتن فقط رفع تکلیف است. لازمه تدریس صحیح دین، داشتن سعه صدر همراه با تلاش است و اینکه خود را از آفات شیطان مصون نداند. جذابیت دبیر دینی باید از ظاهر و پوشش او گرفته تا عملکرد و رفتارهایش دیده شود. حتی یک لبخند گاهی یک دانش‌آموز بی تفاوت و احياناً منحرف را به دبیر دینی جذب و هدایت می‌کند.

■ چه توصیه‌ای به دانش‌آموزان خودتان می‌کنید؟

■ اینکه دائم بپرسند و پرسشگری آنان از طریق معلم مورد تشویق قرار گیرد. معلم اگر پاسخ سؤالی را نمی‌داند،

صادقانه اعتراف کند و بعداً پاسخ بگوید؛ چون قرار نیست معلم همه چیز را بلد باشد. پیشنهاد می‌کنم برای تشویق دانش‌آموزان به مطالعه و ایجاد پرسش، روشی را که به کار برده‌ام و نتیجه خوبی هم گرفته‌ام پیاده کنند: در مدرسه نمایشگاه کتابی برپا شد و مجموعه کتاب‌هایی حاوی جملات و نکات قرآنی با بیش از ۴۹ موضوع و به قیمت هر جلد کتاب به مبلغ ۳۰۰ تومان عرضه شد. از بچه‌های کلاس خواستم هر کس یک جلد برای خودش بخرد (یعنی حدود ۳۵ عنوان از ۴۹ عنوان موجود) و بعد از آنان خواستم هر کدام بعد از خواندن کتاب خود، آن را به دوستان هم کلاس امانت دهند و به این ترتیب با پرداخت فقط ۳۰۰ تومان آن‌ها بیش از ۳۰ کتاب دیگر را هم مطالعه کردند، که در واقع رسیدن به نوعی مطالعه جمعی بدون داشتن هزینه سنگین بود.

■ در پایان هر مطلبی را که دوست دارید، به این گفت‌وگو اضافه کنید.

■ الحمدلله رب العالمین - همین مصاحبه لطف خدا بود. نظرات بنده قطعاً نظر تعداد زیادی از دبیران و همکاران من است. به این امید که هم خودمان و هم شاگردان خود را برای ظهور امام عصر (عج) آماده کنیم. وجود همکاران دلسوز و حمایت‌های آن‌ها در دهه‌های اخیر باعث شده است که افرادی تربیت شوند که در مقدرات مملکت تأثیرگذار باشند. ما نیز تلاش کنیم راه آنان را ادامه دهیم تا باقیات صالحات ما نسلی باشد که خداوند توفیق تربیت آنان را به ما عطا کرده است.

از شما و همکاران و کارکنان مجله نیز بسیار سپاسگزارم که فرصت بیان این مطالب را، که طرح آن‌ها ضروری به نظر می‌رسید، به بنده دادید. توفیق بیشترتان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

چه خوب

است که ماهی

یک بار حداقل

کلاس‌های دینی

به صورت همایش

و در سالن اجتماعات

برگزار شود. دبیران

دینی در آنجا صرفاً

برای پاسخ‌گویی

به سؤالات

دانش‌آموزان حضور

یابند. این روش را

خود من بارها اجرا

کرده‌ام و تجربه خوبی

از آن دارم؛ به‌طوری

که اولیای

دانش‌آموزان

تماس می‌گرفتند

و اظهار رضایت و

تشکر می‌کردند

